

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دیمتری سدوف

برگردان از: ا. م. شیري

۲۵ نومبر ۲۰۱۱

نقش جدید ناتو

در گزارشهای آژانسهای خبری غرب در باره سوریه بیشتر اوقات اخبار دیگری غیر از «سربازان فراری» ارتش سوریه به چشم نمی خورد. اینطور، ۱۶ نومبر، این «فراریان» به دفتر اطلاعات نیروی هوایی سوریه در اطراف دمشق حمله کردند. همزمان با آن، آنها در اردوگاه نظامی در عاکشتارگاه به راه انداخته، چندین ده نظامی را به قتل رساندند. به گزارش آژانسهای خبری، در جریان ناآرامی های ۱۴ نومبر نیز ۷۱ نفر، از جمله ۳۴ نفر از سربازان ارتش، باز هم به دست همین «فراریان از ارتش» کشته شدند.

رسانه های خبری خارجی در تلاش برای توضیح پیدایش توده «فراریان»، آنها را به نام «ارتش آزاد سوریه» مستقر در ترکیه (*) معرفی می کنند. اما، در اینجا یک چنین سؤالی پیش می آید: در حالی که «ارتش آزاد سوریه» چندی پیش پا به عرصه وجود گذاشت و همانطور که در خبرها گفته می شود، متشکل از ۱۰۰ نفر می باشد، پس چه کسانی از بهار گذشته تا کنون بیش از هزار سرباز ارتش دولتی را کشته اند؟

این فراریان از کجا مهمات، تجهیزات جنگی، اطلاعات و دیگر نیازمندیهای خود را تأمین کرده و مهمتر از همه آنها، عملیات خود را در مقیاس کشوری هماهنگ می کنند؟ آنها چند نفر باید باشند که بتوانند همه روزه با ارتش منظم دولتی بجنگند؟

کاملاً واضح و روشن است که نام بی مسمای «ارتش آزاد سوریه» فقط یک «پوشش» برای شمار زیادی تروریست می باشد که تحت فرماندهی آژانسهای جاسوسی غرب فعالیت می کنند. دولت سوریه تعداد تروریستهای متشکل در گروههای ضربت را که به نیروهای دولتی حمله می کنند، ۲ هزار نفر، اعلام می کند. شمار کسانی که از گوشه های خلوت هدف گلوله تیراندازان قرار می گیرند، زیاد است. تعداد کشته ها در سوریه مرتب افزایش می یابد، و اکثریت قربانیان، هم نظامی و هم شهروندان عادی، به دست همین گروهها کشته می شوند. البته هدف جنگجویان فقط کشتار ساده سربازان نیست. مثلاً، به گزارش آسوشیتدپرس، ۱۶ نومبر در نتیجه حمله به پادگان نظامی در منطقه درعا، علاوه بر سربازان نیروهای دولتی، «۲۳ نفر از ساکنان روستای واقع در نزدیکی پادگان نیروهای

دولتی، قربانی خشم جنگجویان شدند». در تفسیر آژانس آسوشیتدپرس با استناد به «گروه‌های حقوق بشری»، گفته می‌شود که سربازان مستقر در پادگان که پیش از آن رفتار مسالمت آمیز داشتند، در جریان درگیری ناگهان عصبانی شده، ساکنان روستای نزدیک را کشتند. اول و آخر این تفسیر به هیچوجه با هم نمی‌خواند و هر کارشناس بیغرضی می‌داند که این کار، کار کیست. جنگجویان سوریه درست مثل تروپیستهای لیبیا عمل می‌کنند. آنها به منظور گسترش ترس و هرج و مرج، طرفداران رژیم را به رگبار گلوله می‌بندند.

ناتو به رغم سازمандهی و تسلیح تروریستهای سوریه، هنوز هم نمی‌تواند به هدف اصلی خود دست یابد. رژیم بشار اسد به خود اطمینان دارد و قصد تسلیم شدن در مقابل دیکته خارج را ندارد. تصمیم اتحادیه عرب مبنی بر تعلیق عضویت سوریه در آن تشکیلات، مشکل بتواند این کشور را به تسلیم وادار سازد. چرا که اولاً- این تصمیم کشنده نیست و ثانیاً- جهان عرب شاهد آن است که اتحادیه عرب زیر سلطه گروه کشورهای عربی طرفدار امریکا به رهبری عربستان سعودی قرار دارد. این واقعیت، تصمیمات هر چند هشدار دهنده اتحادیه عرب را بی اعتبار می‌سازد. عضویت لیبیا در اتحادیه عرب هم درست یک ماه قبل از آغاز بمبارانهای ناتو متوقف شد. بدین ترتیب، اتحادیه عرب وظیفه خود را انجام داد.

خواست پادشاه اردن، عبدالله دوم از بشار اسد برای کناره گیری از قدرت نیز نمی‌تواند کسی را به تأمل وادار نکند. بسیار روشن است که اردن در ازای حفظ امنیت مرزهای شرقی اسرائیل کمکهای قابل ملاحظه‌ای به طور آشکار و پنهان از امریکا دریافت می‌کند. بدون این کمکها، اقتصاد این کشور می‌تواند به زیر علامت سؤال برود. به همین سبب، بر ناظران آگاه پوشیده نیست که ملک عبدالله هم مثل ریاض از واشینگتن دستور می‌گیرد.

با این وجود، همه اینها با تهدید ترکیه برای قطع صدور برق به سوریه قابل مقایسه نیست. همه شواهد نشاندهنده آن است که رجب طیب اردوغان این تصمیم را با توافق همکاران ناتوی خود گرفته است. اکنون فقط رقص مجازی با آهنگ «حقوق بشر» اجراء می‌شود. اما فردا کلید برق خاموش خواهد شد، و در آستانه فرارسیدن دوره سرما، بخش بزرگی از سوریه از انرژی برق محروم خواهد گردید.

این اقدام، باعث تغییر کیفی اوضاع و فلج شدن اقتصاد سوریه خواهد گردید. دولت بشار اسد در وضعیت بسیار بدی قرار خواهد گرفت و در چنین شرایطی، موج اعتراضات توده‌ئی تقویت خواهد شد و احتمالاً به مرحله وخیمی هم برسد. در چنین صورتی، تدابیر نیمه ناقص نه کمکی به رژیم خواهد کرد و نه گزینه دیگری جز اعلام وضعیت فوق العاده باقی خواهد گذارد. ناتو نیز امید خود را به اعزام «کلاه آبی‌ها» به سوریه بسته است که باز هم متشکل از واحدهای ناتو و متحدان عربی خواهد بود.

بلوک آتلانتیک شمالی به هر قیمتی در امور داخلی سوریه دخالت کرده و خواهد کرد. ناتو همانطور که در لیبیا عمل کرد، سعی می‌کند بر مبنای قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد به سوریه وارد شود و این یعنی، تضمین جنگ داخلی در این کشور. در این صورت، «کلاه آبی‌ها» به مربی و فرمانده یکی از طرفهای درگیر جنگ تبدیل می‌شوند و در مرحله تعیین کننده نیز، سر و کله نیروهای ویژه پیدا خواهد شد و درست مثل طرابلس، مقر دولت اسد را مورد حمله خواهند داد.

بدین ترتیب، ناتو نقش جدید خود را که در لیبیا آزمایش کرد، تحکیم نموده و در جنگ داخلی علیه رژیمی که تصمیم به سرنگونی آن از قبل گرفته شده، شرکت می‌کند و یک گام دیگر در راه تأیید نقش ناتو به عنوان ژاندارم بین المللی برداشته خواهد شد.

با این وجود، هنوز یک مشکل حل نشده برای ناتو باقی مانده است. و آن این که، «کلاه آبی ها» نیز باید به اساس قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد به این کشور اعزام شوند. و این هم به معنای آن است که سرنوشت سوریه را جمهوری خلق چین و جمهوری فدراتیو روسیه رقم می زنند. به همین جهت، فشار باور نکردنی بر پکن و مسکو وارد خواهد شد. آژیرهای غرب به بهانه مقابله با «خونریزهای گسترده رژیم جنایتکار اسد و ضرورت مداخله بین المللی» با تمام قدرت به صدا در خواهند آمد.

در همه حال، حرف آخر و گره گشا در این سیاست جهانی را رهبری چین و روسیه خواهند زد...

<http://www.fondsk.ru/news/2011/11/17/novaja-rol-nato.html>

www.eb1384.wordpress.com/2011/11/24

۳ آذر [قوس] ۱۳۹۰

افزوده مترجم:

(*)- به منظور درک بهتر سیاستهای همواره ارتجاعی دولتهای پیشین و کنونی ترکیه، توجه خوانندگان را به موضع این کشور در جنگهای جهانی اول، دوم و «سرد» جلب می کنم.

دوستان و همراهان گرامی، خواهشمندم این نشانی ای-میل را «ibi-shi@mail.ru» به حافظه کامپیوتر خود بسپارید. در نظر دارم در آینده ترجمه ها و نوشتارها را از این طریق تقدیم نمایم.

یادداشت:

به نظر ما در نهایت امر، حرف آخر را فقط مردم سوریه خواهند زد، که آیا باید به انقیاد گردن بگذارند و چون مشتی خیانت پیشه در افغانستان زیر نام تقویت دموکراسی به استقلال و آزادی ملی کشورشان خیانت بورزید و یا عکس آن، امپریالیسم و ارتجاع را دارای سرشت مشترک دانسته، به نبرد علیه امپریالیسم و ارتجاع کمر ببندند. تاریخ نشان داده است که خلقها هیچ گاهی در دراز مدت به منافع والای ملی و طبقاتی خود خیانت نورزیده اند.

اداره پورتال AA-AA